

گزینه ۳

۱

پارادوکس: از تنزل ترقی یافتن / ایهام: ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه "۱": تشبیه: بادام دو چشم / استعاره: عناب استعاره از اشک / پسته استعاره از دهان

گزینه "۲": حس آمیزی: جواب تلخ / ایهام تناسب: شور ۱- هیجان و اشتیاق (معنای مورد قبول) ۲- مزه شور (با کام و تلخ و... تناسب دارد)

گزینه "۴": واج آرایبی: تکرار "حروف م، ن، ی، ا" / مجاز: بیت مجاز از شعر

گزینه ۴

۲

در ابیات گزینه‌های "۱"، "۲" و "۳" ویژگی "خرق عادت" به طور مشترک، مشهود است:

(۱) رویین تنی اسفندیار

(۲) بی‌رقیب بودن پهلوان مورداشاره، با وجود ده‌ساله بودن او

(۳) اشاره به عمر هزارساله و بسیار طولانی ضحاک

گزینه ۳

۳

غلط‌های املائی و شکل درست آن‌ها:

آذر م – آزر م

مسطور [نوشته شده] – مستور [پوشیده و پنهان]

غزا [جنگ و پیکار] – قضا [سرنوشت]

گزینه ۳

۴

غزا به معنی جنگ است که با حرب رابطه تضمّن ندارد ولی با صلح متضاد است و با "ناورد" هم‌معنا است.

تموز یکی از ماه‌های سال است به معنی تیرماه ولی با مُرداد متضاد نیست.

کُرنَد اسبی که رنگ آن میان زرد و بور است که با "نُوند" رابطه تضمّن دارد ولی متضاد "کَهر" و هم‌معنای "اژدها" نیست.

گزینه ۱

۵

واژه کثیف – دارای تحول معنایی

* در گذشته به معنی انبوه و متراکم که امروزه متداول نیست و به معنی آلوده و پلید است.

در بیت گزینه ۱ "به داستان پرورش یافتن زال، پدر رستم به دست سیمرغ (مرغ) اشاره شده که بیانگر زمینه یا ویژگی خرق عادت در حماسه است؛ اما در گزینه‌ها "۲، ۳ و ۴" به ترتیب "تاج‌گذاری هوشنگ"، "بذل و بخشش و نثار کردن پول [در داستان سیاوش] توسط مردم" و "باور به تأثیر ستارگان در سرنوشت افراد"، تماماً بیانگر زمینه ملّی در داستان‌های حماسی هستند.

در گزینه ۱: سپر بیبناخت ← سپر بیبناخت

واژه "رعنا" با از دست دادن معنای پیشین خود که (خودخواه - گستاخ - احمق) بوده توانسته است معنای جدیدی را وارد دایره لغات خود کند: (دلربا)

گزینه ۲: "۲": (مرا خوار شد جنگ دیو سپید = خرق عادت)
گزینه ۳: "۳": (بی‌بها ناسزاوار پوست = منظور پرچم است که نشانه ملّی و میهنی است)
گزینه ۴: "۴": (اسفندیار = قهرمان ایرانی)

غلط املائی و شکل درست آن:
قضا (سرنوشت، داور) ← غزا (جنگ) - باتوجه‌به واژه "تیغ" در عبارت "پنهان کردن تیغ را شایسته دیدم" املائی "غزا" درست است.
در گزینه‌های دیگر واژه‌های "صلت، خوان، صولت، صباحت، قضا و حذر" از نظر املائی مهم هستند.

مفهوم بیت گزینه ۱ بیان روزگار ستم‌آلود و دعوت انسان‌های دادخواه و مبارز برای مبارزه است.

"را" در بیت گزینه ۲ "معادل حرف اضافه "به" و در سایر گزینه‌ها نشانه "فکّ اضافه" یا بدل از کسره است:
(۱) تشنگان بادیه را جان به لب رسید ← جان تشنگان بادیه به لب رسید.
(۲) نافه را چندان دهد دم ← به نافه چندان دم (نفس) می‌دهد.
(۳) تا رهروان غم را خار از قدم برآید ← تا خار از قدم رهروان غم برآید.
(۴) مرا شربت هجران روزی ← شربت هجران روزی من [است]. / تو را نرگس جادو سرمست ← نرگس جادوی تو سرمست [است].

واژه "دبیر" در گذشته به معنی "نویسنده و کاتب" بوده است و امروزه به معنی "کسی که در دبیرستان تدریس می‌کند" به کار می‌رود.

توجه: واژه‌های "درزی: خیاط"، "خراج: مالیات" و "برگستوان: پوشش جنگی اسبان و پهلوانان" در گزینه‌های "۱"، "۲" و "۳" امروزه جزء واژگان کهن و متروک به حساب می‌آیند.

غلط‌هایی املائی و شکل درست آن:

قاضی (داور) ← غازی (جنگجو)

غازی: بندباز، معرکه‌گیر

کلمات مهم املائی در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) زلت: لغزش، خطا / گزینه ۳) طاعن: سرزنش‌کننده - ذمیم: زشت و نکوهیده / گزینه ۴) ذل: خواری - غربت: دوری از شهر
توجه: واژه "غازی" در منابع کنکور به کار نرفته لذا سؤال فاقد اعتبار و ارزش‌سنجی است.

در عبارت صورت سؤال "ضخاک، پادشاه جورپیشه، سزای عمل ناجوانمردانه‌اش را دید." بیت گزینه ۴ نیز بیانگر این مفهوم است که هر ستمگری که دیگری را بیازارد، به سزای عملش خواهد رسید. (ادبیات چهارم، درس ۳)
بررسی مفهوم ابیات:

۱) غم تو مانند شاهبازی است که دل عاشقان مسکین را صید کرده است.

۲) دل سلمان (شاعر) مانند کبوتری است که اسیر غم مانند شهباز تو شده است. آگاه باش که دوباره دل همچون کبوتر او را شکار کرده‌ای.

۳) بال‌های زاغ و زغن شایسته صید و شکار نیست. این زیبایی و شایستگی فقط مخصوص بال‌های شهباز و شاهین است.

۴) کبک مورچه‌ای را خورد و خود شکار باز شکاری شد و سرانجام عقابی رفت و باز شکاری را طعمه خود ساخت.

مفهوم گزینه‌های "۱"، "۲" و "۴" انسان‌های مهم و ارزشمند، جایگاه و پایگاهی ندارند؛ برخلاف انسان‌های بی‌ارزش.

در زمینه ملی و میهنی حماسه واقعیاتی مطرح می‌گردد که ویژگی‌های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری و مذهبی دربرمی‌گیرد. شاهنامه نیز تصویری از جامعه ایرانی است در جزئی‌ترین ویژگی‌های حیاتی مردم آن.
(ادبیات چهارم، درس ۳) / (ادبیات ۳، درس ۲)

در بیت گزینه "۳" شاعر به "اختر کاویان" اشاره کرده است که پرچم ملی ایران در عهد ساسانی بوده است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

۱) ویژگی قهرمانی حماسه را بیان می‌کند.

۲) بیانگر ویژگی قهرمانی حماسه است.

در داستان کاوه آهنگر خواندید که ارزش‌ها جابه‌جا شد. پلیدی‌ها جای خوبی‌ها را گرفت:
 "نهان گشت کردار فرزندگان پراگنده شد نام دیوانگان
 هنر خوار شد جادویی ارجمند نهان راستی آشکارا گزند"
 بیت گزینه (۴) نیز وصف چنین روزگاری است: سبزی‌ها خشک شد، گل‌ها پریز شدند، دوران بلبل تمام شد و نوبت زاغ است.
 مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شرمساری از اعمال زشت خویش

گزینه (۲): غنیمت شمردن عمر

گزینه (۳): بی‌توجهی پادشاه به دادخواهی مظلومان

در این گزینه واژه‌های "می‌زند و می‌کشد" هم‌قافیه هستند که قافیه غلطی است.

گزینه ۱ زمینه ملی و قومی دارد.
 (خوان زر از سنت ملی و قومی ما است)
 در گزینه ۲ از عمر خارق‌العاده زال (خرق عادت) سخن گفته شده است.
 در گزینه ۳ و ۴ وجود سیمرغ (خرق عادت)

بررسی:

گزینه ۱: لا تَدَّخُلْ: دخالت نمی‌کنیم. تکذیب: باور نکردن، دروغ دانستن

گزینه ۳: لا تَدَّخُلْ، فعل مضارع منفی است: دخالت نمی‌کنیم. لا تُحَدِّثْ: فعل مضارع منفی است به معنای: سخن نمی‌گوییم.

تکذیب: باور نکردن، دروغ دانستن

گزینه ۴: لا تَدَّخُلْ: دخالت نمی‌کنیم، دخالت کردن مصدر است. "احتمالاً دروغ است، نادرست است".

يُعَوِّدُ: عادت دهد - يُعَوِّدُ لِسَانَهُ ← زبانش را عادت دهد
 أَقْبَلَ عَلَيَّ: روی آورد / يُقْبَلُونَ عَلَيَّ: روی می‌آورند که در گزینه‌های ۲ و ۴ غلط ترجمه شده است.
 اللَّيْنُ: نرم / طوبی ب ← خوشا به حال ← در گزینه‌های ۲ و ۳ غلط ترجمه شده‌اند.
 بَلْ: بلکه ← در گزینه‌های ۲ و ۴ ترجمه نشده است.

در این گزینه، یَتَكَلَّمُ به طالبُ که نکره است برمی‌گردد لذا جملهٔ وصفیه می‌شود.
در گزینهٔ "۱" فعل "یَعْلَمُ"، جواب شرط است و جواب شرط، جملهٔ وصفیه نمی‌شود.
در گزینهٔ "۳" "مَحْمَدٌ" معرفه به عَلَم است لذا "يُضْحِكُ" جملهٔ وصفیه نمی‌شود.
در گزینهٔ "۴" يَتَحَدَّثُ به المَعْلَم برمی‌گردد که معرفه به "ال" است پس جملهٔ وصفیه نمی‌شود.

معین کن عبارتی که توصیف‌کنندهٔ مفعول است.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) درست است که "خیراً" نکره است ولی فعل بعدش "یَرَهُ" نمی‌تواند جملهٔ وصفیه باشد چون جواب شرط است.

تذکر: اگر بعد از اسم نکره یک فعل بیاید و جواب شرط باشد نمی‌توان آن را جملهٔ وصفیه گرفت.

(۲) درست است که بعد از "شرطیاً" فعل "جادلتُهُ" آمده ولی این فعل نمی‌تواند جملهٔ وصفیه باشد زیرا قبلش حرف "ف" آمده است.

تذکر: بین اسم نکره و جملهٔ وصفیه کلمات [و - ف - ثم - لکن - حتی] نمی‌آید.

(۳) کلمهٔ "یوماً" مفعول به و اسم نکره است و فعل "لاتجزی" جملهٔ وصفیه برای آن می‌باشد.

(۴) درست است که فعل "تُوذَّن" اسم نکره قبلش را "طفلة" توصیف می‌کند ولی "طفلة" فاعل است نه مفعول به.

"فَلَّاح" در این عبارت مبتدای مؤخر و نکره است. در سایر عبارات‌ها "الإِخْلَاصُ، أهواز و علی" معرفه‌اند.

صورت سؤال جمله‌ای را می‌خواهد که فعل آن به شکل ماضی بعید ترجمه شود.

نکته: در صورتی که در یک جمله وصفی فعل جمله اصلی ماضی باشد و فعل جمله وصفی نیز ماضی باشد فعل جمله وصفی به شکل ماضی بعید ترجمه می‌شود.

گزینهٔ "۱": شاهَدْنَا + يَقْفِزُ (ماضی + مضارع) = ماضی استمراری (می‌پرید)

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می‌پرید.

گزینهٔ "۲": رَأَيْتُ + يَمْشِي (ماضی + مضارع) = ماضی استمراری (راه می‌رفت)

پسری را دیدم که به سرعت راه می‌رفت.

گزینهٔ "۳": أَفْتَشُ + يُسَاعِدُ (مضارع + مضارع) = مضارع التزامی (کمک بکند)

به دنبال لغت‌نامه‌ای می‌گردم که مرا در فهم متون یاری بکند.

گزینهٔ "۴": اشْتَرَيْتُ + قَدْ رَأَيْتُهُ (ماضی + ماضی) = ماضی بعید (دیدم بودم)

امروز کتابی خریدم که از قبل دیده بودم.

در این گزینه پس از اسم نکره "علمیة" جمله فعلیه "تَعَلَّمَ" آمده است. در گزینه "۱" "یَمْنَعُونَ" "الحَرَّاس" را توضیح می‌دهد. در

گزینه "۲" پس از "فترات" جمله نیامده است. در گزینه "۳" نیز "طلب" اسم نکره را توضیح نمی‌دهد.

"سوف تأخذ المساعدة: کمک خواهی گرفت"

سایر موارد:

"الوفاء بالوعد أدائه صعب: وفای به عهد انجامش سخت است، به‌جا آوردن وفای به وعده سخت است" - "يختارک: تو را برمی‌گزیند، انتخابت می‌کنند، تو را انتخاب می‌کنند" - "أصدقاء (اسم نکره): دوستانی" - "لهذه الخصلة: برای این خصلت، به‌خاطر این خوی" - "منهم: از آن‌ها" - "للحصول علی: برای به دست آوردن، برای دستیابی به"

در این گزینه، اگرچه پس از اسم نکره "جائزة" جمله فعلیه "لا تُنسى ذِکْرَهُنَّ" آمده است، ولی با توجه به اینکه ضمیر "هُنَّ" در این جمله فعلیه به "الطالبات ... برمی‌گردد، بنابراین جمله وصفیه به شمار نمی‌رود!
ترجمه: در جشن مدرسه، جایزه‌ای به دانش‌آموزان نمونه داده شده که (درحالی‌که) خاطره آن‌ها فراموش نمی‌شود.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه "۱": "طالباً" اسم نکره و جمله فعلیه "لا یستمع..." صفت آن است و آن را توصیف می‌کند. (جمله وصفیه)
ترجمه: امروز در کلاسما دانش‌آموز اخلاگری را دیدم که به درس خوب گوش نمی‌داد.
گزینه "۲": "سمکة" اسم نکره است که توسط جمله فعلیه "یزید وزنها" توصیف شده است.
ترجمه: در این رودخانه ماهی‌ای شکار خواهم کرد که وزنش بیش از دو کیلو است.
گزینه "۴": "حُبوباً" اسم نکره است و جمله فعلیه "تُهَدِّئ..." آن را توصیف می‌کند.
ترجمه: پزشک برای من قرص‌هایی تجویز کرد که سر دردم را آرام می‌کرد.

بررسی کلمه‌های کلیدی (المواد العذائیه، تُؤثِّر، فی قدرة الجسم و العقل، تُبْعِدُنَا):

- (۱) "المواد العذائیه": "مواد غذایی" ← صفت و موصوف ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
- (۲) "تُؤثِّر": "تأثیر می‌گذارد" ← فعل مضارع از باب "تفعیل" ← رد سایر گزینه‌ها
- (۳) "فی قدرة الجسم و العقل": "در توانمندی جسم و عقل" ← رد گزینه‌های ۱ و ۲
- (۴) "تُبْعِدُنَا": "ما را دور می‌کند" ← فعل مضارع ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

- (۱) معلمی به کلاس ما آمد که ما را به سخن نرم خود قانع می‌کرد!
- (۲) برای جذب دیگران باید که حرفت با عملت همراهی کند!
- (۳) خوشا به حال انسانی که زبانش در آنچه برایش خیر می‌آورد می‌چرخد!

در این عبارت صفت از هیچ نوعی (مفرد و جمله وصفیه) وجود ندارد.
اما در سایر گزینه‌ها: "مؤدبون - یحترمون - أثرت - لا تشبع" همگی صفت هستند.

ترجمه درست، راضی کردن مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

"فاصبروا: صبر کنید" جمله فعلیه است نه اسمیه، اما در این گزینه به اشتباه به شکل اسمیه ترجمه شده است. همچنین "حتی یحکم: تا داوری کند" نیز اشتباه ترجمه شده است.

معین کن جمله‌ای که توصیف می‌کند اسم نکره‌ای را در قبش: کلمه "مدرسه" در گزینه "۲" اسم نکره است و جمله "تَتَعَلَّمُ....." آن را توضیح می‌دهد و جمله وصفیه برای آن می‌باشد. ترجمه: مادر مدرسه‌ای است که یاد می‌گیریم از آن روش زندگی و معرفت را!

کلمه "أَعْلَمُ" بر وزن "أفعل" اسم تفضیل است و به معنای "داناتر - آگاه‌تر" است. ولی در گزینه‌های "۲" و "۳" به صورت فعلی "می‌شناسد - آگاهی دارد" ترجمه شده است [ردّ گزینه‌های "۲" و "۳"]. کلمه "سبیل" چون ضمیر دارد به معنای "راهش" می‌باشد نه "راه خدا" [ردّ گزینه "۴"].

معین کن صحیح را در ترجمه بر طبق آنچه خوانده‌ایم در کتاب درسی. بررسی گزینه‌ها:

گزینه "۱": جمله با فعل "أعوذ" که یک فعل مضارع است شروع شده است و در ادامه جمله وصفیه با فعل "لاتشبع" که مضارع است آمده در اینجا "لاتشبع" طبق نظر کتاب درسی باید به صورت مضارع التزامی "سیر نشود" ترجمه شود. گزینه "۲": واو ابتدای جمله حرف عطف است، پس گزینه "۲" ادامه گزینه "۱" می‌باشد، پس فعل "أعوذ" در گزینه "۱" بر سر گزینه "۲" هم تأثیر می‌گذارد و فعل "لایخشع" که جمله وصفیه هست را باید مضارع التزامی کند (سیر نکند). گزینه "۳": واو حرف عطف است فعل "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاینفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را مضارع التزامی می‌کند، پس "نبخشد" درست است. گزینه "۴": واو حرف عطف است و "أعوذ" بر جمله وصفیه "لاترفع" نیز تأثیر می‌گذارد و آن را نیز باید مضارع التزامی (بالا برده نشود) کند.

در این گزینه "سیارة" مفعول است که فعل "تسیر" پس‌از آن آمده و آن را توضیح می‌دهد. در گزینه "۱"، "طریقه: مجرور" است که پس‌از آن فعل آمده است. در گزینه "۲" پس از "طفلاً" حرف "ف: پس" آمده و در گزینه "۳" نیز پس از اسم‌های نکره "شاباً، نادماً" فعل نیامده است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

- ۱- با سخن نرم، دوستی دیگران به دست آورده می‌شود.
- ۲- در آنچه به تو ارتباط ندارد دخالت نکن، پس شأنت خود را کم می‌کنی.
- ۴- به دنبال کسی می‌گردم که برای حمل کالاها به من کمک کند.

کان یفتخر: فخر می‌ورزید (رد گزینه‌های "۱" و "۴") - ملبسه: لباس‌هایش (رد گزینه "۲") - قلت: گفتم (رد گزینه "۲") - تکلم: صحبت کن (رد گزینه "۱") - أراک: تو را ببینم (رد گزینه‌های "۱" و "۴")

در فرمایش رسول خدا (ص)، منظور از پیش از قیام، پیرو امام زمان (عج) بودن، یعنی مراجعه به عالمان دین در زمان غیبت و عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت که از جمله دستورات امام زمان (عج) است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند و منظور از آینده سبز یعنی: "انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر (عج)"

بر اساس آیه ۵۵ سوره نور: (وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات...) خداوند، وعده استقرار اندیشه و دین مرضی رضای الهی (لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم) را به مؤمنان صالح داده است.

نامه امام زمان (عج) به شیخ مفید در دوران غیبت کبری است نه غیبت صغری و پیروی از فرمان‌های امام عصر و پیش از قیام او پیرو او بودن به معنای مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان (عج) است.

در انتهای آیه شریفه (وعد الله الذین آمنوا...)، در عبارت (یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً) خداوند می‌فرماید شرایط به‌گونه‌ای می‌گردد که: "مرا بپرستند و به من شرک نوزند" و آیه‌ای که به موعود و منجی در ادیان اشاره دارد، این آیه است: (و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الارض یرثها عبادی الصالحون): "به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند."

پیامبر اکرم (ص) در سخنانی ضمن که راستای لزوم تقویت معرفت و محبت نسبت به امام، معرفی همه امامان، درباره امام عصر (عج) می‌فرماید: "هرکس دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر (عج) را بپذیرد."

گزینه ۲

۴۶

در جمله نخست بنا بر احادیث بیان شده و متن کتاب، جز "عدالت گستری" و جمله آخر به کامل شدن امنیت در جامعه مهدوی اشاره دارد.

گزینه ۳

۴۷

امام عصر در نامه به شیخ مفید به موضوع ولایت معنوی در عصر غیبت اشاره دارد و بیانگر آن است که امام عصر (عج) سرپرست و حافظ و یاور مسلمانان است و رهبری حقیقی مسلمانان هم‌اکنون با امام عصر (عج) می‌باشد.

گزینه ۳

۴۸

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند، اما خداوند به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازند." و این موضوع را می‌توان از آیه شریفه (ذلک بان الله لم یک مغیراً نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم و ان الله سمیع علیم): "خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آن‌ها خود وضع خود را تغییر دهند، همانا که خداوند شنوا و دانا است." دریافت کرد.

گزینه ۳

۴۹

عبارت "بشروطها و انا من شروطها" مؤید این موضوع است که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست؛ بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است و این موضوع درباره ولایت ظاهری و نشانگر "معرفی خویش به‌عنوان امام بر حق" از اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان است.

گزینه ۴

۵۰

کتاب "نهج البلاغه" و "صحیفه سجادیه" مربوط به تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو است که از اقدامات مربوط به مرجعیت دینی امامان می‌باشد.

گزینه ۱

۵۱

بخش اصلی رهبری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مربوط به ولایت معنوی است و تغییر و تحول در امور جامعه درگرو روح جمعی جامعه است که آیه شریفه (ان الله لایغیر ما بقوم حتی...) حاکی از آن است.

گزینه ۳

۵۲

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که امام را از آن جهت (غایب) نامیده‌اند که ایشان از نظرها "غایب" است. نه اینکه در جامعه حضور ندارد؛ به‌عبارت‌دیگر، ما انسان‌ها هستیم که امام را نمی‌بینیم، نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضع ما بی‌خبر است.

همان‌طور که در زمان پیامبر اکرم (ص) "تعلیم و تبیین تعالیم دین"، "ولایت و سرپرستی جامعه" ضروری بود و ایشان این مسئولیت‌ها را از جانب خداوند انجام می‌داد، ضروری است که پس از ایشان، کسانی به‌عنوان "امام" از جانب خداوند این مسئولیت‌ها را به انجام رسانند و راه پیامبر را ادامه دهند. همچنین لازم است انسان‌هایی که قلب و جان خود را لایق پذیرش هدایت معنوی کرده‌اند، از این هدایت نیز برخوردار شوند.

دو قلمرو دیگر به همان دلایلی که در زمان حیات ایشان ضروری بود، پس از ایشان نیز ضروری است و ادامه می‌یابد. زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به امام و رهبری که جامعه اسلامی را به سوی رستگاری و عدالت هدایت کند، همچنان وجود دارد.

در آیه شریفه (و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين) جانشینی ناتوان‌شدگان که همان مستضعفان هستند ذکر شده است و در آیه شریفه (وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم... و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنًا...) تبدیل خوف و ترس به امنیت آمده است.

از آنجاکه حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند؛ امامان نیز وظیفه داشتند که بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر (مشارکت در نظارت همگانی) با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع نمایند.

هلاکت یا عزت. تابع (معلول) رفتار و اعمال و کردار مردم جامعه است (به استناد آیه) و امام علی (ع) می‌فرماید "زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند اما خدا به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی (افراط) در گناه آنان را از وجود حجت خویش در میانشان بی‌بهره می‌سازد."

از آنجاکه مردم نسبت به یازده امام معصوم، قدرناشناسی و ناسپاسی کردند، خداوند آخرین حجت خود را تا آماده شدن جامعه انسانی برای بهره‌مندی از او، غایب نمود. خداوند در آیه ۵۳ سوره انفال در مورد علت از دست دادن نعمت‌ها می‌فرماید: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ): "خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها، خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و دانا است." پس تغییر در رفتار انسان‌ها: (يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)، عامل بی‌بهره شدن از نعمت ظهور امام است.

همچنین در آیه (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ): "ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم." به منت‌های خدا بر مستضعفان اشاره شده است.

آیه شریفه: (ذلک بان الله لم یک مغیراً نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم و ان الله سمیع علیم)، مربوط به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مفهوم آن برابر است با مردم اگر نعمتی را که خدا به آنها داده است درست استفاده نکنند، خدا از آنها می‌گیرد.

در موضوع تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو، ائمه اطهار با اینکه با حاکمان زمان خود مخالف بودند، اما به‌دوراز گوشه‌گیری و با تکیه بر علم الهی خود، درباره همه مسائل اظهارنظر می‌کردند که ثمره‌اش، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در کنار سیره پیامبر (ص) و قرآن کریم است. از سوی دیگر امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزیدند، به‌گونه‌ای که هم تفکر اسلام باقی بماند و هم به‌تدریج بنای ظلم و جور بنی‌امیه و بنی‌عباس سست شود و هم روش زندگی امامان علیهم‌السلام به نسل‌های آینده معرفی گردد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت علی (علیه‌السلام) و سایر امامان درباره امام عصر (عج) و امامتی که به عهده ایشان است، بسیار سخن گفته بودند. از این‌رو حاکمان بنی‌عباس درصدد این بودند که ایشان را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم و امام یازدهم را در محله‌ای نظامی در شهر سامرا سکونت دادند. لذا این سکونت اجباری نتیجه آگاهی عباسیان از رسالت الهی حضرت مهدی موعود (عج) بوده است.

بعد از فعل chose اگر فعلی بیاید آن فعل به شکل مصدری خواهد بود در نتیجه گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
ترجمه جمله: بعد از زلزله، نیکی انتخاب کرد که به کرمانشاه برود.

ترجمه جمله: سپس می‌توانیم از کشت این میکروب‌ها برای شناسایی تفاوت بین سلول‌های بنیادی طبیعی و سرطانی استفاده کنیم.

- ۱) شناسایی کردن
- ۲) تزیین کردن
- ۳) فروختن
- ۴) تفاوت قایل شدن

ترجمه جمله: سه تا کیف (چمدان) با لباس به اندازه دو ماه بسته‌ام به‌خاطر اینکه مطمئن نبودم که چه زمانی دوباره به خانه برمی‌گردم.

- ۱) شامل شدن
- ۲) خلق شدن
- ۳) بسته‌بندی کردن
- ۴) به‌خاطر سپردن

ترجمه جمله: این بیمارستان خیلی شلوغ است و ممکن است بعضی از بیماران فراموش شوند. فکر می‌کنم باید او را به بیمارستان بهتری منتقل کنیم. (با تغییر)
توضیح گرامری: برای بیان الزام و اجبار از have to یا has to استفاده می‌کنیم (رد گزینه ۴) که با توجه به ضمیر we گزینه ۳ رد می‌شود. از طرفی فعل بعد از آن‌ها باید به شکل ساده به کار رود (رد گزینه ۱)

ترجمه جمله: تنها یک چیز وجود دارد که باعث می‌شود دست یافتن به یک رؤیا غیرممکن گردد: ترس از شکست.
(۱) بستگی داشتن
(۲) منعکس کردن
(۳) شامل شدن
(۴) دست یافتن به

ترجمه جمله: اگر تورم با سرعت کنونی افزایش پیدا کند منجر به سیر صعودی قیمت‌ها می‌شود و سرانجام اقتصاد کشور را در خطر می‌اندازد.
(۱) بستن- گره زدن
(۲) به خطر انداختن
(۳) توقع داشتن
(۴) شامل شدن

ترجمه جمله: فرد آلن زمانی گفت که یک فرد مشهور کسی است که تمام عمرش سخت کار می‌کند تا به شهرت برسد و سپس برای اجتناب از شناخته شدن عینک دودی می‌زند.
(۱) منعکس کردن، تفکر کردن
(۲) راضی کردن
(۳) شناختن، تشخیص دادن
(۴) شامل شدن، گنجاندن

ترجمه درک مطلب:

کربوهیدرات‌ها، که قندها هستند، برای یک رژیم غذایی سالم ضروری می‌باشند. آن‌ها منبع اصلی انرژی را برای بدن فراهم می‌کنند و آن‌ها همچنین برای طعم دادن و شیرین کردن غذاها عمل می‌کنند (به کار می‌روند). کربوهیدرات‌ها گستره‌ای از قندهای ساده مثل گلوکز تا قندهای پیچیده نظیر آلدوز و آمیلوپکتین دارند. متخصصین تغذیه تخمین می‌زنند که کربوهیدرات‌ها حدود یک چهارم تا یک پنجم رژیم غذایی یک فرد را تشکیل می‌دهند. این مطلب به معنی ۷۵ الی ۱۰۰ گرم از کربوهیدرات‌ها به طور روزانه می‌باشند.

رژیم غذایی که کمبود کربوهیدرات دارد می‌تواند اثرات مضر و زیان‌آوری بر روی سلامتی شخص بگذارد. وقتی بدنی کمبود کربوهیدرات داشته باشد در ابتدا مجبور است که از ذخایر پروتئین بدن برای انرژی استفاده کند، فرآیندی که به آن گلوکونئوز گفته می‌شود (تولید قند جدید). این روند می‌تواند منجر به کمبود پروتئین ضروری در بدن شده و مشکلات سلامتی بیش‌تری ممکن است اتفاق بیفتد. کمبود کربوهیدرات همچنین می‌تواند منجر به کتوز شود، تجمع کتون در بدن که باعث خستگی، بی‌حالی و بوی بد دهان می‌شود.

گزینه ۴

۶۸

ترجمه جمله: طبق این متن، اکثر متخصصان تغذیه چه پیشنهادی دارند؟
"کربوهیدرات‌ها بهتر است که حدود یک چهارم رژیم غذایی روزانه شخص را تشکیل بدهند."

گزینه ۴

۶۹

ترجمه جمله: کربوهیدرات‌ها کدام یک را انجام نمی‌دهند؟
"موجب تولید قند جدید شدن"

گزینه ۴

۷۰

ترجمه جمله: تلاش‌های اولیه برای آموزش صحبت کردن به شامپانزه‌ها ناموفق بودند چون این جانوران فاقد اندام‌های صوتی ضروری بودند.

(۱) رسومات

(۲) موارد، نمونه‌ها

(۳) نتایج

(۴) تلاش‌ها

گزینه ۳

۷۱

ترجمه جمله: معلم از تکلیف دانش‌آموزش راضی نبود، بنابراین از او درخواست کرد که آن را دوباره انجام دهد.

(۱) شناختن، تشخیص دادن

(۲) قدردانی کردن

(۳) راضی

(۴) موفق شدن در

گاه پیش می‌آید که یک عبارت شرطی به دنبال یک عبارت دیگر می‌آید. در این سؤال نیز بخش اول ارتباطی با جملات شرطی ندارد اما از زمانی که عبارت شرط شروع می‌شود با توجه به زمان عبارت نتیجه شرط، با یک شرطی نوع اول روبه‌رو می‌شویم، پس زمان عبارت شرط حال ساده است. ترجمه جمله: قوانین این مدرسه بسیار جدی هستند، اگر آن‌ها را زیر پا بگذارید، از شما خواسته خواهد شد که آن‌جا را ترک کنید.

به بچه‌ها گفتم اینقدر سر و صدا نکنید چون حواسم پرت شده بود. (با تغییر)
 (۱) درست کردن
 (۲) درگیر کردن
 (۳) جدا کردن
 (۴) مراد کرده کردن
 نکته: make a noise به معنای سروصدا ایجاد کردن است.

زمان عبارت شرط در شرطی نوع یک حال ساده و نتیجه شرط و آینده ساده است. ترجمه جمله: اگر عکست رو بهم بدی تو را به خاطر خواهم سپرد.

ترجمه جمله: او را با آمبولانس به بیمارستان میلاد بردند، جایی که وضعیتش رضایت‌بخش توصیف شد.
 (۱) خلاق
 (۲) رضایت‌بخش
 (۳) صادق، صادقانه
 (۴) پزشکی

ترجمه جمله: سربازان شجاع از سرزمین مادری‌شان در برابر دشمن دفاع کردند.
 (۱) محل قرار گرفتن
 (۲) جامعه
 (۳) اقتصاد
 (۴) سرزمین مادری

آن مرد فکر می‌کرد در آن هتل برای همه کاملاً مهم است که لابی را هرچه سریع‌تر ترک کنند. توضیح گرامری: مطابق با الگوی (... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت / قید + it + to be) باید از مصدر با to استفاده کنیم.

- ترجمه جمله: همه نگران هستند که بدانند چه برسد قهرمان پیشین المپیک آمده است.
- (۱) پیشین
 - (۲) مخالف، برعکس
 - (۳) رایج
 - (۴) نزدیک- کناری

- ترجمه جمله: این رستوران‌های زنجیره‌ای غذاهای مختلف خود را در سراسر جهان ارائه می‌دهند تا طعم‌های فرهنگ محلی را نشان دهند.
- (۱) ترجیح دادن
 - (۲) ذخیره کردن
 - (۳) نشان دادن، منعکس کردن
 - (۴) گردآوری کردن

- ترجمه جمله: جک به‌طور فوق‌العاده‌ای یک نقاش خلاق است ولی تکنیک یک نقاش واقعی بزرگ را ندارد.
- (۱) خلاق
 - (۲) جمعی
 - (۳) تزئینی
 - (۴) اقوام